

## بررسی امکان شناخت حق دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری

مهشید یراقی اصفهانی<sup>۱</sup>

## چکیده

**زمینه و هدف:** گسترش روزافزون نفوذ اینترنت در جوامع بشری در دو دهه اخیر، منجر به تلاش برخی از دولت‌ها در جهت اعمال کنترل و نظارت گسترده بر فضای اینترنت شده است. این عمل دولت‌ها از منظر حقوق بشر قابل مذاقه و بررسی است. درحالی که بسیاری از محققان معتقدند، دولت‌ها باید متعهد به ارائه زیرساخت‌های کافی برای تضمین دسترسی به اینترنت باشند، برخی دیگر بر آنند که معرفی حق دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری نوعی افراط و بزرگ‌نمایی است.

**روش:** این مقاله در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی تفریر یافته است.

**یافته‌ها و نتایج:** این مقاله به بررسی استدلال‌های له و علیه اینکه دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری تلقی شود، پرداخته و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا دسترسی به اینترنت را می‌توان تحت عنوان حقوق بشر طبقه‌بندی کرد؟ از آنجایی که در عصر حاضر، در رابطه با حق دسترسی به اینترنت یکپارچگی بین‌المللی وجود ندارد، این مقاله بر این باور است که وجود چنین ابهام حقوقی در راستای موضوعی که به‌ناچار با زندگی روزمره بشر به شدت آمیخته شده است، موجب اختلاف در عرصه بین‌المللی شده و می‌تواند از عوامل نقض اساسی حقوق بشر در جوامع مختلف باشد. در این راستا، تدوین یک اعلامیه رسمی از سوی جامعه بین‌المللی که به ارائه یک تعریف ساختاریافته از حق دسترسی به اینترنت بپردازد، پیشنهاد شده است.

**کلید واژه‌ها:** حقوق اینترنت، دسترسی به اینترنت، حق بشری، فضای مجازی، آزادی بیان.

\* استناددهی (APA): یراقی اصفهانی، مهشید. (۱۴۰۰). بررسی امکان شناخت حق دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴(۵۴)، ۷۳-۵۹.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_686937.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_686937.html)

۱. دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه برونل، لندن، انگلستان. عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی صفهان.

رایانامه: yaraghim@yahoo.co.uk



## مقدمه

در قرن پیشین ابتکار جدیدی در اروپا پدید آمد که ارتباطات را متحول کرد. این ابتکار عمل، عرصه‌ای را برای مخالفت و ایجاد زمینه‌ای برای گفتگوهای بی‌سابقه که قدرت‌های متجاوز را به چالش می‌کشد، ایجاد کرد. نمی‌توان اینترنت را به‌عنوان یک پدیده جدید نام‌گذاری کرد، مبنی بر اینکه اینترنت از دهه ۱۹۶۰ در حال توسعه بوده است و در اوت ۱۹۹۱ در دسترس عموم قرار گرفته است. با این حال، جهانی‌سازی ارتباطات همراه با فرسایش در مرزهای کشوری و تسریع توسعه فناوری در طول دو دهه گذشته اساساً با معرفی کنشگران جدید، عرصه‌های جدید، فرصت‌ها و تهدیدات جدید، روابط دولت شهروندی را تغییر داده است. همان‌گونه که میچیو کاکو<sup>۱</sup> بیان می‌دارد «تلفن همراه هوشمند هر فرد از قدرت کامپیوتری بیشتری نسبت به تمامی پیشینه ناسا در ۱۹۶۹ برخوردار است» (کاکو، ۲۰۱۲: ۱۷۷) در حال حاضر، اکثر اطلاعات به‌صورت دیجیتال گسترش و ادامه یافته است و فناوری‌های ارتباطاتی همچون تلفن‌های همراه هوشمند و دسترسی آزاد به اینترنت، به بخشی از زندگی روزمره، تجارت، بهداشت و خدمات مالی، آموزش، سرگرمی و ... مبدل شده و در نتیجه آن جوامع معاصر به‌طور روزافزونی در مسیر تبدیل شدن به یک «جامعه شفاف» حرکت می‌کنند. (انصاری، ۱۳۸۶: ۷) فناوری‌های اطلاعاتی و سیستم‌های محاسباتی که تمامی تکانه‌ها و فشارهای جسمی را ثبت می‌کنند، مرزهای بین افراد، دولت و شرکت‌های خصوصی را منحل می‌کنند. به‌طوری‌که چنین انقلاب دیجیتالی نه تنها زیست انسان را از منظر اجتماعی اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تغییرات اجتناب‌ناپذیری را در سرفصل‌های گسترده حقوق بشر به وجود می‌آورد. در واقع نوآوری‌های فنی و علمی علاوه بر ارائه شیوه‌ای صریح و بدون ابهام برای بهبود شرایط زندگی افراد، نگاه سنتی به مقوله حقوق بشر را نیز تغییر می‌دهند. برای مثال، اینترنت ممکن است برای توسعه حق آزادی بیان و ایجاد امکانات بی‌شمار برای اجرا و پیاده‌سازی اشکال جدید ارتباطات، مفید و سودمند باشد. همچنین در موضوع حق آموزش فناوری‌های جدید دسترسی گسترده به دانش را تضمین می‌نماید. از طرف دیگر، نوآوری‌های دیجیتالی، حقوق بشر را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد و منجر به ظهور یک ضرورت جدید می‌شود، این ضرورت عبارت است از کشف راه‌های جدید برای حفظ کرامت انسانی از طریق ایجاد حقوق جدید یا ایجاد چشم‌انداز جدید در تفسیر حقوق سنتی.

هدف از این مطالعه، تعیین این مسئله است که آیا دسترسی به اینترنت را می‌توان تحت عنوان حقوق بشر طبقه‌بندی کرد یا خیر. بسیاری از محققان، مقامات حکومتی و اعضای سازمان‌هایی وجود دارند که معتقدند دسترسی به اینترنت یک حق بشری است و دولت‌ها می‌بایست زیرساخت‌های لازم و ضروری را فراهم آورند و از محدودیت و سانسور محتوای برخت

1. Michio Kaku

خودداری کنند. با این حال، برای برخی، هرگونه ادعای حقوق بشر برای دسترسی به اینترنت، نوعی اغراق از نقش آن در جامعه است. این منتقدان بر این باورند که دسترسی به اینترنت را می‌توان در چهارچوب آزادی بیان، آزادی عقیده و آزادی گفتار مورد محافظت قرار داد. با توجه به این دیدگاه دسترسی به اینترنت به‌عنوان یک حق بشری باید بتواند جایگاه خود را در جامعه بیش از حد فعلی آن ایفا کند؛ بنابراین، هدف از این مقاله، بررسی چندین نظریه مرتبط با حقوق بشر و همچنین استدلال‌هایی له و علیه اینکه دسترسی به اینترنت به‌عنوان یک حق بشری تلقی شود است که هدف از آن جمع‌بندی و ترکیب این دیدگاه‌ها و نقطه نظرات تا جایی است که یک نتیجه‌گیری کاملاً توسعه‌یافته به‌دست آید. موضوع این مقاله این است که، آیا دسترسی به اینترنت را می‌توان تحت عنوان حقوق بشر تعریف کرد یا خیر. هدف پژوهش توجه به شکاف دانش برای یک چارچوب حقوقی بین‌المللی احتمالی در آینده است تا دسترسی به اینترنت به‌عنوان یک موضوع حقوق بشری مورد تأیید قرار بگیرد. در حال حاضر هیچ یکپارچگی بین‌المللی در خصوص حق دسترسی به اینترنت وجود ندارد؛ بنابراین همین امر موضوع اختلاف بین‌المللی شده است. این در حالی است که نباید هیچ ابهام قانونی برای چنین موضوع مهمی وجود داشته باشد؛ زیرا اینترنت در زندگی روزمره رواج بیشتری یافته است و می‌تواند اصول اساسی حقوق بشری را ترویج و ارتقاء بدهد.

### چرا آزادی اینترنت حائز اهمیت است؟

اینترنت به یکی از «قدرتمندترین ابزار قرن بیست‌ویکم برای افزایش شفافیت در رفتار و سلوک افراد، دسترسی به اطلاعات و برای تسهیل مشارکت فعال شهروندان در دموکراتیزه کردن جوامع مبدل شده است.» (دریگی، ۱۳۷۹: ۵) تشکیل یک جامعه فراگیر اطلاعاتی مستلزم توانایی و قابلیت جهانی برای دسترسی به اطلاعات، ایده‌ها و دانش است تا شهروندان قادر به مشارکت در بحث راجع به امور عمومی باشند و نقشی فعال در فرآیند تصمیم‌گیری داشته باشند. اینترنت ارائه‌دهنده یک فرصت جدید برای سیاست‌های توسعه در خصوص شفافیت و انتشار اطلاعات و ایده‌ها در تمامی ابعاد زندگی بشر است. سرعت، تمرکززدایی و هزینه‌های پایین اینترنت، هر دو بخش دولتی و خصوصی را قادر می‌کند تا اطلاعات را بدون موانع مرزی یا بروکراسی‌هایی که مانع از چنین گردش اطلاعاتی می‌شوند، انتشار بدهند. حق دسترسی به اینترنت به دلیل اثرگذاری مثبت آن بر حق آزادی بیان مستحق توجه بین‌المللی است، حقی که ذاتاً با توسعه انسانی و اقتصادی پیوند خورده است. در حالی که ناهمگونی بین‌المللی با توجه به حق دسترسی به اینترنت همچنان وجود دارد، دولت‌ها در تنظیم دسترسی به اینترنت به گونه‌ای پافشاری می‌کنند که متناسب با اهداف آنها و بدون توجه به نیاز شهروندان‌شان می‌باشد. در حال حاضر برخی از دولت‌ها اعلام کرده‌اند که

دسترسی به اینترنت یک حق بشری است درحالی که برخی دیگر به سادگی این مسئله را نادیده گرفته‌اند و هیچ سیاستی را در این زمینه اتخاذ نکرده‌اند و برخی دیگر محتواهای برخاسته از به شدت محدود کرده‌اند. این ناهمگونی به دلیل اهمیتی که دسترسی به اینترنت می‌تواند برای جامعه فراهم بیاورد، قابل دوام در بلندمدت نیست. اینترنت ذاتاً موجودیتی بدون مرزهای ملی است و استفاده یا عدم استفاده از آن می‌تواند پیامدهای بسیار گسترده‌ای را به همراه داشته باشد؛ بنابراین هرگونه اختلاف نظر در خصوص موضوع حق دسترسی به اینترنت می‌تواند باعث ایجاد اختلافات شدید بین‌المللی شود. یک نیاز فوری به حل و فصل موضوعاتی همچون تأمین ارتباطات اینترنت از طریق زیرساخت‌ها، محدودیت محتوای برخاسته از قوانین سانسور و غیره وجود دارد. رفع این ناهمگونی می‌تواند از طریق یک چارچوب قانونی و حقوقی به دست بیاید که قادر است تا این مشکلات مختلف و متعدد را بررسی و مورد رسیدگی قرار بدهد.

### چارچوب حقوقی برای دسترسی به اینترنت

در حال حاضر، هیچ چارچوب حقوقی در شکل یک کنوانسیون، اعلامیه یا قطعنامه وجود ندارد که صراحتاً اعلام نماید که دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری است. با این حال، گفته می‌شود که دسترسی به اینترنت به دلیل ماهیت و ارزش‌هایی که ترویج می‌کند، به خودی خود یک حق بشری است. مدافعان این حق، در دفاع از این استدلال، به ماده ۱۹(۲) میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی (۱۹۶۶) استناد می‌کنند، استدلالی که ارائه‌دهنده موارد ذیل است: «هرکسی از حق آزادی بیان برخوردار است؛ این حق باید شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و بیان و انتقال اطلاعات و ایده‌ها در تمامی انواع صرف‌نظر از مرزها یا به صورت شفاهی، کتبی یا چاپی و در شکل هنر یا از طریق رسانه‌ها باشد.» ماده ۱۹(۲) حق دسترسی به اینترنت را وعده نمی‌دهد، اما صریحاً حمایت از فناوری مورد استفاده برای برقراری ارتباط و دسترسی به اطلاعات را ترویج می‌دهد و برای دولت‌ها در محدود کردن دسترسی به ارتباطات، محدودیت ایجاد می‌کند.

فرانک لارو<sup>۱</sup> استدلال می‌کند که ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و هم‌تای آن در میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی برای شامل شدن و همساز شدن با تحولات تکنولوژیک در آینده، پیش‌بینی شده‌اند. وی نتیجه می‌گیرد که ماده ۱۹ برای فناوری‌های جدید ارتباطی همچون اینترنت نیز کاربرد دارد.<sup>۲</sup> علاوه بر این، تفسیر سازمان ملل از ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی استدلال می‌کند که آزادی عقیده و بیان، شرایط ضروری برای پیشرفت کامل فرد به‌شمار می‌روند. در ادامه این اظهارات آمده است که آزادی بیان برای شفافیت و پاسخگویی دولت و

1. Frank La Rue

2. See: La Rue, 2011: 6-7

همچنین ارتقاء و محافظت از حقوق بشر حائز اهمیت هستند<sup>۱</sup>. تفسیر شماره ۳۴ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد به‌طور خاص بیان می‌دارد که ابزار آزادی بیان شامل اینترنت و تمامی اشکال سمعی بصری و شیوه‌های مبتنی بر اینترنت است. این تفسیر همچنین پیشنهاد می‌دهد که مقامات دولتی باید این موضوع که این تحولات به‌طور قابل توجهی رویه‌های ارتباطات در سرتاسر جهان را تغییر داده‌اند، مدنظر قرار بدهند. سپس نتیجه می‌گیرد که دولت‌های عضو باید تمامی اقدامات لازم را برای تقویت استقلال رسانه‌های جدید به‌منظور تضمین دسترسی افراد به آنها، انجام دهند. در برخی از کشورهای توسعه یافته از نظر اقتصادی، دسترسی به اینترنت به‌عنوان یک حق به رسمیت شناخته شده است، برای مثال پارلمان استونی قانونی را در سال ۲۰۰۰ از تصویب گذارند و دسترسی به اینترنت را تحت عنوان حقوق بشری اعلام کرد. شورای قانون اساسی فرانسه نیز به‌گونه‌ای مؤثر و کارآمد، دسترسی به اینترنت را در سال ۲۰۰۹ به‌عنوان یک حق اساسی و بنیادین در نظر گرفت و دادگاه قانون اساسی کاستاریکا نیز در سال ۲۰۱۰ چنین تصمیمی اتخاذ نمود. فنلاند نیز در مرحله بعد در سال ۲۰۰۹ حکمی را به تصویب رساند و بیان داشت که برای اتصال اینترنتی باید یک مگابایت در ثانیه (سطح پهنای باند) در نظر گرفته شود. پاراگراف A5 قانون اساسی یونان هم توضیح می‌دهد که هر کسی از حق مشارکت در جامعه اطلاعاتی برخوردار است و دولت موظف و مسئول است تا در پیشبرد این جامعه اطلاعاتی، کمک‌های لازم را ارائه بدهد. گزارشگر ویژه سازمان ملل نیز به این مسئله توجه کرده است که بر اساس نظرسنجی‌های انجام شده توسط بنیاد سخن‌پراکنی بریتانیا در مارس ۲۰۱۰، ۷۰ درصد از مصاحبه‌شوندگان در ۲۶ کشور بر این باور بودند که دسترسی به اینترنت یک حق بشری بنیادین است.

در اروپا ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) و همچنین ماده ۱۱ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا مورد توجه قرار می‌گیرد. این مواد تأکید دارند که آزادی عقیده، انتقال و دریافت اطلاعات می‌بایست بدون هیچ محدودیت و دخالتی محترم شمرده شود. عده‌ای از حقوق دانان مدعی‌اند از آنجا که حقوق عرفی به محافظت گسترده از ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اقدام نموده، اینترنت نیز در حوزه آن قرار می‌گیرد. (رضایی، ۱۳۹۹، ۷۳-۷۲) حقوق عرفی تأیید می‌نماید که شیوه ارتباطات بخشی از محدوده آزادی بیان که در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان شده است، می‌باشد. برای مثال، در قضیه جرسیلد علیه دانمارک<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۴، دادگاه اروپایی حقوق بشر با تجزیه و تحلیل نقش مطبوعات در یک جامعه دموکراتیک، بیان داشت که: «اگرچه این اصول در درجه اول با توجه به رسانه‌های چاپی تدوین شده بودند، بدون شک برای رسانه‌های سمعی بصری نیز قابلیت اعمال دارند.»<sup>۳</sup> در قضیه اوبر شلیک علیه

1. See: UN Human Rights Committee, General comment No.34, 2011:3-4

2. Jersild v. Denmark

3. ECtHR, 1994: 31

اتریش<sup>۱</sup> در ۱۹۹۱ و قضیه دی هیز و جیجسل علیه بلژیک<sup>۲</sup> در ۱۹۹۷، دادگاه اروپایی حقوق بشر همچنین بیان داشت که ماده ۱۰ نه تنها از ایده‌ها و اطلاعات بیان شده بلکه از شکل و طریقه انتقال آنها نیز حمایت و محافظت می‌کند.

شورای اروپا در مارس ۲۰۱۲ استراتژی حاکمیت اینترنتی خود را بر اساس اعلامیه ۲۰۱۱ اصل حاکمیت اینترنت و پیشنهادها در مورد محافظت و ترویج عام‌گرایی، یکپارچگی و باز بودن محیط اینترنت، تبیین کرد. این سند، توجه ویژه‌ای را به حق دسترسی به اینترنت برای همه (قسمت ۱)؛ حفظ حریم خصوصی و داده‌ها (قسمت ۳)، حق کودکان و جوانان (قسمت ۴) و مبارزه با جرائم سایبری (قسمت ۶) اختصاص داده است که هدف از آن توسعه منشور حقوق کاربران اینترنت در میان سایر موارد است. در بخش حفظ حریم خصوصی و داده‌ها، متون مربوطه بیان می‌دارند که هدف شورای اروپا باید ترویج توسعه اقدامات و ابزارهایی برای کودکان و خانواده‌های آنها برای مدیریت بهتر حریم خصوصی و داده‌های شخصی‌شان باشد و از این طریق، هویت آنها حفظ شود. همان‌گونه که استفاده از نام‌های مستعار می‌تواند کمک‌دهنده باشد؛ همچنین شورای اروپا باید در تلاش باشد تا جامعه را با توجه به روندها و چالش‌های مطرح‌شده از سوی اینترنت به پیش براند. حقوق مربوط به ترویج، حفاظت و برخورداری از حقوق بشر در خصوص اینترنت مصوب شورای حقوق بشر سازمان ملل در قطعنامه ژوئیه ۲۰۱۲، نیز مورد توجه قرار گرفتند. این قطعنامه موجز و مختصر تصدیق می‌کند که «همان حقوقی که افراد به صورت غیر برخط دارند باید به صورت برخط نیز مورد محافظت قرار بگیرد، به ویژه آزادی بیان که بدون توجه به مرزها و از طریق هر رسانه انتخابی قابل اعمال است»، اما خواستار حقوق بشر جدید نشده است.

### حقوق دیگری که قادر به محافظت از اینترنت است

سطح معینی از حمایت و محافظت از اینترنت هم از نظر محتوا و هم از نظر دسترسی بودن می‌تواند از حقوق دیگری غیر از آزادی بیان ناشی شود. با نگاهی به مفاد اصلی و اساسی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مشخص می‌شود که این حقوق عبارت‌اند از: حق حفظ حریم خصوصی (ماده ۸)، آزادی فکر و اندیشه، مذهب (ماده ۹) و آزادی اجتماعات و انجمن‌ها (ماده ۱۱). این حقوق با حق آزادی بیان دارای اشتراکات بسیاری هستند، چراکه محدودیت‌های بسیار مشابهی در آنها اعمال می‌شود. علاوه بر این می‌توان به موقعیت‌هایی فکر کرد که در آن حقوق ذیل قادر به ایفای نقش مهمی هستند: حق آموزش (ماده ۲ پروتکل الحاقی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)، حق مشارکت در زندگی فرهنگی (ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی)،

1. Oberschlick v. Austri  
2. De Haes and Gijssels v. Belgium

حق داشتن استانداردهای زندگی مناسب (ماده ۱۱ (۱) کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)).

بحث در مورد تمامی این حقوق، یا را فراتر از مبحث این مقاله می‌برد. حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی و محافظت از داده‌ها، جالب توجه و مرتبط است. از آنجا که حمایت از مکاتبات و ارتباطات در محدوده حفظ حریم خصوصی قرار می‌گیرد، می‌توان استدلال کرد که استفاده از پست الکترونیکی و شبکه‌های اجتماعی نیز مورد محافظت قرار می‌گیرند. در زمینه پرونده شرکت سابام، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا استدلال کرد که سیستم فیلترینگ می‌تواند اثرات منفی را بر حفاظت از داده‌های شخصی در پی داشته باشد. همچنین آدرس پروتکل‌های اینترنتی ممکن است شامل اطلاعات شخصی افراد باشد؛ مانند شبکه‌های اجتماعی که قادر به شناسایی، تجزیه و تحلیل سیستماتیک و پردازش اطلاعات مرتبط با پروفایل‌های ایجاد شده توسط کاربران است. زمانی که سخن از ابتکار عمل‌هایی در مورد حفظ حریم خصوصی در عرصه دیجیتال به میان می‌آید، فرانک لارو در مورد حفظ ناشناس بودن برخط به‌ویژه با اجتناب از اتخاذ سیستم‌های ثبت‌نام با اسم واقعی صحبت می‌کند<sup>۱</sup> و اندرو ماری<sup>۲</sup> خواستار حق استفاده از فناوری رمزگذاری به منظور تضمین حریم خصوصی و رازداری ارتباطات می‌شود.<sup>۳</sup> با توجه به اینکه که فناوری‌های معاصر، حافظه تقریباً کاملی را در اختیار قرار می‌دهند که بیش از ظرفیت طبیعی انسان برای حافظه است و در برخی موارد، نامطلوب است، برخی از مؤلفان مانند مایر اشنوبرگر<sup>۴</sup> و کوپس<sup>۵</sup> راهکارهایی را راجع به «فراموش کردن» درخواست نمودند.

### استدلال‌های حقوق بشر در برابر و به نفع حق دسترسی به اینترنت

سیستم بین‌المللی حقوق بشر از زمان اعلامیه جهانی حقوق بشر که نخستین بار در ۱۹۴۸ تصویب شد تا حد زیادی پیشرفت کرده است. از زمان تصویب اعلامیه، فرآیند وضع قوانین در رابطه با تعریف حق و حقوق جدید و اصول جدید بین‌المللی ادامه داشته است. این ماهیت در حال گسترش هنوز هم در قرن بیست و یک تغییر شکل می‌دهد. با توجه به ماهیت همواره در حال تغییر جامعه، حقوق بشر برای تکامل نیاز دارد که با چالش‌های جدید پیش رو به‌درستی مواجه شود. حقوق بشر، حقوق مستقر و ایجاد شده است و در جوامع خاص و در زمان خاصی شکل می‌گیرد. بروانزورد<sup>۶</sup> و گودوین<sup>۷</sup> استدلال می‌کنند که در آینده و درجایی که حقوق بشر یک زبان برتر

1. See: La Rue, 2011: 3-5

2. Andrew Murray

3. See: Murry.1:2010

4. Mayer-Schönberger

5. Koops

6. Brownsword

7. Goodwin

برای استدلال بسیاری از رفتارهای اخلاقی باقی مانده است، تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژیکی احتمالاً باعث ایجاد حقوق بشر جدید می‌شوند. از نظر این مؤلفان، حقوق جدیدی که به نظر می‌رسد در افق فکری قرار گرفته است شامل حق حریم خصوصی تکوینی و وراثتی، حق داشتن هویت منحصر به فرد و همچنین حق دسترسی به اینترنت است.<sup>۱</sup>

وینتون سرف<sup>۲</sup> طراح پروتکل<sup>۳</sup> (یک مدل مرجع برای ارتباط درون شبکه رایانه‌ای)، نسبت به محافظت از دسترسی به اینترنت در چارچوب حقوق بشر دچار شک و تردید است. او معتقد است موانع زیادی برای چیزی وجود دارد که تحت عنوان حقوق بشر شناخته می‌شود. ایده آل‌های حقوق بشری جامعه غربی را می‌توان به‌قرار ذیل به‌طور خلاصه مطرح کرد: بدیهی است که هر کسی دارای ادعای قانونی برابر با آن دسته از کالاها و منافع ملموس و غیرملموس است که برای رفاه انسان ضروری هستند.<sup>۴</sup> به‌عبارت دیگر، این حقوق به‌عنوان پایه‌های اخلاقی تلقی می‌شوند که مردم در تمامی کشورها و فرهنگ‌های مختلف صرفاً بر این اساس که آنها انسان هستند از این حقوق بهره‌مند می‌شوند. سرف نشان می‌دهد که آنچه که حقوق بشر نامیده می‌شود، باید در میان آنچه باشد که انسان به آن نیاز دارد تا زندگی سالم و پرمعنی را تجربه کند. اینترنت به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف، ارزشمند است، اما به‌خودی خود به‌عنوان هدف نیست. او با یک مثال نتیجه‌گیری می‌کند که: در یک زمان، اگر شما اسب نداشتید، زندگی کردن بسیار سخت می‌شد. حق مهم در اینجا، حق داشتن یک زندگی خوب است نه حق داشتن یک اسب<sup>۵</sup>. سرف<sup>۶</sup> بیشتر از دسترسی به اینترنت در چارچوب حقوق مدنی، طرفداری می‌کند. هرچند که استدلال‌های مشابه در هردوی آنها به کار گرفته می‌شوند. تفاوت حقوق مدنی از حقوق بشری آن است که حقوق مدنی طبق قانون به ما اعطا می‌شوند نه به شکل ذاتی و فطری.

برای درک بیشتر از استدلال سرف در مورد خارج نگه‌داشتن دسترسی به اینترنت از چارچوب حقوق بشر به این نکته می‌توان اشاره کرد که ادعاهای به رسمیت شناختن حقوق بنیادین جدید باید همواره با دقت مورد بررسی قرار بگیرد. اگر آنها به‌گونه‌ای بی‌احتیاط و بی‌پروا مورد پذیرش قرار بگیرند، می‌توانند به یک‌رویه از تکه‌تکه شدن حقوق بشر منجر بشوند. بیشینه کردن این حقوق می‌تواند ارزش سایر حقوق موجود را کاهش بدهد. شمولیت حقوق جدید در چارچوب حقوق بین‌المللی بشر تنها در صورتی توجیه می‌شود که یک اجماع و اتفاق نظر وجود داشته باشد که در این صورت به سطح بالایی از محافظت نیاز دارد. مرحله بعد، وضع قانون برای به

1. See: Brownsword, Goodwin, 2012:244-246

2. Vinton Cerf

3. TCP/IP

4. See: Greer, 2006:2

5. See: Cerf, 2012:16

6. Cerf



رسمیت شناختن آن حق است که هرگونه قانون‌گذاری دشواری‌هایی را برای تعریف دامنه و محدوده آن و همچنین ابزار حقوقی مناسب برای تبیین مقررات به‌همراه خواهد داشت؛ و در مرحله آخر آن حق ممکن است در طی زمان از دور خارج شود. برای مثال، حقوق منحصر به فردی که برای افراد میان‌سال در حقوق بشر تعریف شده است، تمامی نیازهای این افراد را در نظر نگرفته است. (آیتی، ۱۳۷۳: ۲۹) به‌عنوان مثالی دیگر، یک حق معلوم و روشن برای در اختیار داشتن سیستم آب و فاضلاب توسط سازمان ملل و شماری از نهادهای بین‌المللی حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. اگرچه استدلال شده است که این حق را می‌توان به آسانی از حق مسکن و بهداشت تفسیر کرد، دلایل چندی وجود دارد که چرا آن شایسته یک شناخت رسمی در حوزه حقوق بشر به صورت جداگانه است. نخست اینکه، سیستم آب و فاضلاب در درجه اول از نیازهای اصلی به‌شمار می‌رود و امروزه بسیاری از مردم همچنان از نبودن هردوی آن دچار رنج و سختی هستند. دوم اینکه، قلمرو بهداشت وسیع‌تر از پیشگیری از آلودگی منابع آب آشامیدنی است و اطمینان از دارا بودن ذخایر آبی مطمئن و بهداشتی نیز شامل آن می‌شود (آل کجیاف، ۱۳۹۲: ۱۵۱-۱۴۱).

از طرف دیگر، به دو دلیل ادعاهای سرف قابل رد کردن است: نخست اینکه هویت به معنای فعلی آن، آستانه تعریف شده توسط سرف را پشت سر گذاشته است. با توجه به حق هویت در ماده ۸ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) که این‌گونه بیان می‌دارد که کشورها بدون هیچ مداخله غیرقانونی باید به حق کودک در نگهداری از هویت خود، تابعیت خود، اسم و رابطه فامیلی خود احترام بگذارند و همچنین ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این حق را برای همه در نظر گرفته است که به زندگی شخصی، خانوادگی و ارتباطات شخص احترام گذاشته شود. در نتیجه نیاز و هویت افراد به چیزی فراتر از یک زندگی سالم و پرمعنا پا گذاشته است و این انتخاب افراد است که چه هویت و زندگی را برای خود انتخاب کنند و این وظیفه کشورها و جامعه بین‌الملل است که به این انتخاب‌ها احترام بگذارند. دوم اینکه، ابزارهای حقوقی و قانونی حقوق مدنی مد نظر سرف قابل بحث است. برخلاف حقوق مدنی که ناشی از تابعیت و شهروندی در هر کشور یا عضویت در هر ملت است. حقوق بشر فرض بر آن دارد که این حقوق، ادعا یا حق هر انسان به‌شمار می‌رود و تعهدات ناقص عموماً بر عهده کسی است که قادر به کمک کردن باشد و برخلاف حقوق مدنی‌اند که به کشوری که یک فرد تابعه و شهروند آن است، وابسته است. حقوق بشر بیانات اخلاقی مستحکمی هستند که نیاز است تا برای تحقق این آزادی‌های به رسمیت شناخته شده که از طریق این حقوق و از طریق قانون یا حقوق عرفی شناسایی می‌شوند، اقدامات خاصی انجام بشود. زمانی که محتوای آنها از اهمیت خاصی برخوردار است و زمانی که ادعای آن می‌تواند در معرض یک موشکافی و بررسی دقیق قرار بگیرد، چنین حقوق بشری می‌توانند به‌عنوان

یک دستور کار برای قانون و سیاست‌های جدید مورد استفاده قرار بگیرند. از منظر عمل‌گرایانه، ظرفیت رو به رشدی از قانون حقوق بشر برای ایجاد مسئولیت‌ها و ابزارهایی برای تضمین نظارت و نظارت بر اجرای دقیق آن از جمله سازوکارهای نرم نظارتی وجود دارد. تبدیل چیزی به یک حق اساسی و بنیادی نه تنها جایگاه آن در دستور کارهای سیاسی را تضمین می‌کند، بلکه سازوکارهای اجرای آن از جمله گزارشگری، جریان‌های اصلی و جبران خسارت را هدف قرار می‌دهد که در همین رابطه شمار بیشتری از دولت‌ها مایل به پذیرش آن هستند، آن‌هم زمانی که آنها ابزارهای جدید حقوق بشری را به رسمیت می‌شناسند. بر اساس یک حق بشری منطقی و عقلایی حق هویت نه تنها باید در برابر نفوذ و مزاحمت محافظت شود، بلکه باید به شیوه‌ای مثبت‌تر مورد حمایت قرار بگیرد. حق هویت باید به‌عنوان یک حق ارائه شده با شرایط ضروری برای هویت شکل داده شده و توسعه یافته درک شود که نه تنها به رسمیت شناختن هویت را در اختیار قرار می‌دهد، بلکه شکل‌گیری هویت را نیز مجاز می‌شمارد. یک حق هویت طرح‌ریزی شده علاوه بر ابعاد منفی آن، به‌عنوان حقی که باید از مزاحمت‌ها و تجاوز سایر هویت‌ها در امان بماند، شامل یک تعهد مثبت برای اشخاص ثالث (دولت و دیگران) است؛ یعنی یک حق اعطاشده با ابزارهای ضروری برای ایجاد، توسعه و پایداری هویت یک فرد. یکی از ابزارهای ضروری برای توسعه هویت یک فرد حق داشتن دسترسی آزادانه به اینترنت است.

ایده دسترسی به اینترنت که به‌عنوان یک حق بشری مد نظر قرار گرفته است، با توجه به منشأ خود که بدون شک «گزارش سازمان ملل» است که توسط فرانک لارو ارائه شده است، به‌طور گسترده‌ای در طول دهه گذشته رشد یافته است. در حالی که «گزارش سازمان ملل» صریحاً بیان نمی‌کند که دسترسی به اینترنت باید به‌عنوان یک حق بشری مد نظر قرار داده شود، قویاً دال بر آن است که این حق از طریق هشدار به کشورهای عضو علیه محدودیت بر دسترسی به اینترنت و متعهد نگاه داشتن دولت‌ها برای ارائه زیرساخت‌های کافی برای تضمین دسترسی به اینترنت، مورد توجه قرار گرفته است. فرانک لارو در «گزارش سازمان ملل» به‌طور مداوم، ارزش اینترنت در دستیابی به اهداف مشابه سایر حقوق بشری و همچنین نتایج مثبت ناشی از استفاده از آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. می‌توان ادعا کرد که یک حق بشری که به‌واسطه «گزارش سازمان ملل» ایجاد شده است، حکومت کشورهای عضو را از محدود کردن دسترسی به اینترنت و محتوای برخاسته ممنوع می‌کند و تعهدات کشورهای عضو به‌منظور ارائه زیرساخت‌های لازم برای دستیابی شهروندان به دسترسی به اینترنت جهانی را یادآور می‌شود. «گزارش سازمان ملل»، روندها و چالش‌های کلیدی حقوق تمامی افراد برای جست‌وجو، دریافت و اشاعه اطلاعات و ایده‌ها از طریق اینترنت را بررسی و منبع آن را تحت عنوان ماده ۱۹(۲) میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی ذکر می‌کند که این ماده بیان می‌دارد: «هر کسی باید از حق آزادی بیان برخوردار باشد؛ این حق

باید شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و اشاعه اطلاعات و ایده‌ها از تمامی انواع، صرف نظر از مرزبندی‌ها چه به صورت شفاهی و چه نوشتاری و چاپی، در شکل هنر یا از طریق هر رسانه دیگری باشد.»

گزارش لارو (۲۰۱۱)، ۸۸ پیشنهاد و توصیه را برای ارتقاء و ترویج حق آزادی بیان به صورت برخط و همچنین محافظت از آن ایجاد کرده است. اینها شامل توصیه‌های بی‌شماری در پیشرفت، ارتقاء و تأمین دسترسی به اینترنت برای همه است. لارو در پیشنهاد شماره ۶۷ خود بیان داشت که اینترنت مانند هیچ رسانه دیگری نیست که افراد را قادر به جست‌وجو، دریافت و اشاعه اطلاعات و ایده‌هایی از تمامی انواع کند، اطلاعات و ایده‌هایی که به صورت لحظه‌ای و کاملاً مقرون‌به‌صرفه در سرتاسر مرزهای ملی در دسترس قرار دارند؛ وی همچنین بر این باور است که اینترنت از طریق فعال کردن سایر حقوق بشری، توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور را تقویت می‌کند و به واسطه گسترش ظرفیت و قابلیت افراد برای برخورداری از حق آزادی عقیده و بیان، به روند پیشرفت بشریت در کل یاری می‌رساند. وی در پیشنهاد‌های شماره ۷۸، ۷۹ و ۸۵ بیان می‌دارد زمانی که دولت‌ها دسترسی به اینترنت را قطع می‌کنند، این در واقع نقض ماده ۱۹ پاراگراف ۳ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی مدنی است. او سپس از دولت‌ها درخواست می‌کند تا حفظ دسترسی به اینترنت در تمام زمان‌ها را تضمین کنند و همچنین بر این گمان است که به این دلیل که اینترنت به ابزار ضروری برای تحقق طیفی از حقوق بشر مبدل شده است، مبارزه با نابرابری و تسریع روند توسعه و پیشرفت بشر و اطمینان از دسترسی به اینترنت جهانی، باید به یک اولویت برای دولت‌ها مبدل شود. لارو در پیشنهاد شماره ۶۵ نشان می‌دهد که چگونه برخی از کشورها در مورد برجسته کردن دسترسی به اینترنت به‌عنوان حق بشری برای تمامی شهروندان پیش رفته‌اند. وی همچنین در پیشنهاد شماره ۶۶ بر این واقعیت تأکید می‌کند که موانعی برای واقع شدن این امر در هر کشوری وجود دارد که به دلیل فقدان و کمبود کالاهای اساسی است، اما به همه دولت‌ها در مورد تعهدات مثبتشان به‌منظور تسهیل آزادی بیان و اتخاذ سیاست‌های مشخص و مؤثر در ایجاد اینترنت قابل دسترس در سطح گسترده، قابل دسترس و مقرون‌به‌صرفه برای همه بخش‌های جمعیتی، یادآوری می‌کند. لارو در پیشنهاد شماره ۶۸ با استناد به بیداری اسلامی و انقلاب‌ها، پتانسیل اساسی و متحول اینترنت را برجسته می‌کند و بیان می‌دارد که در خلال شورش و ناآرامی‌ها، اینترنت نقش مهمی را در بسیج جمعیت برای عدالت، برابری، پاسخگویی و احترام بهتر به حقوق بشر ایفا کرده، بنابراین دولت‌های عضو باید تسهیل دسترسی به اینترنت برای تمام شهروندان با کمترین حد ممکن محدودیت برخط را در اولویت‌های خود قرار بدهند. در نتیجه انتشار «گزارش سازمان ملل» که از کشورهای عضو درخواست کرد تا زیرساخت‌های لازم را برای دسترسی به اینترنت فراهم آورند (به‌عنوان حق دسترسی مثبت) و علیه محدودیت و سانسور استفاده

برخط شهروندان هشدار بدهند (حق دسترسی منفی)، «گزارش سازمان ملل» به طور ضمنی حقوق بشر را به عنوان تصدیق دسترسی به اینترنت مد نظر قرار داده است.

### ارزش‌های تقویت‌کننده آزادی بیان و دسترسی به اینترنت

در حالی که همه در مورد در اختیار داشتن اینترنت به توافق رسیده‌اند، برخی معتقدند که این موضوع نباید در چهارچوب حقوق بشر قرار گیرد. همان‌گونه که در فصول پیشین اشاره شد، سرف بر این باور است که یکسان‌سازی یک فناوری مانند اینترنت با سایر حقوق بشر اشتباه است و اینترنت صرفاً یک توانمندساز برای حقوق است و نه خود حقوق. با این حال، استدلال سرف بر اساس تعریف بسیار محدودی از حقوق بشر است، زیرا بخش گسترده‌ای از این حقوق، ریشه‌های خود را مدیون فناوری هستند. حقوقی همچون حق مسکن و آموزش برای تحقق‌شان مستلزم فناوری هستند. «تمامی برنامه‌نویسی‌هایی که اینترنت را شکل می‌دهند، خاص‌تر از میخ‌ها و چکش‌های مورد استفاده برای ساختن یک خانه نیستند و به همین دلیل هیچ‌یک از آنها نباید به عنوان حقوق بشر مدنظر قرار بگیرند؛ چرا که آنها نیز صرفاً توانمندساز هستند. با توجه به این نکته، برخی از مدافعان از حق دسترسی به اینترنت بیان داشته است که: اینترنت «دقیقاً همانند یک خانه، چیزی بیش از مجموع اجزای آن است چیزی که بیش از آجر و ملات جامعه است که ما آن را تمدن می‌نامیم. اینترنت خود یک جامعه منحصر به فرد است که یک چشم‌انداز جهانی را به زندگی ما اعطا می‌کند. دسترسی به اینترنت برای شهروندی جهان، امکان همکاری، فراگیری، همدلی و مشارکت در سطح جهانی، مجاز دانسته شده است» (گراماتیس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۱۲).

برای اثبات اینکه دسترسی به اینترنت صرفاً یک توانمندساز حقوق بشری نیست، مفهوم حقوق بشر باید موشکافی شود.

حقوق بشر را می‌توان یک بسته در نظر گرفت که شامل یک بیان انتزاعی از حق و برخی از ابزارها برای دستیابی به آن حق است. برای تعیین اینکه یک مجموعه مفهومی از حقوق دسترسی به اینترنت در چه مواردی قرار دارد، می‌بایست به تعریف جیمز گریفین<sup>۲</sup> از حقوق بشر توجه شود: «آن جنبه از زندگی ما که لازمه توانایی و قابلیت ما برای انتخاب و پیگیری یک زندگی ارزشمند است» (گریفین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۴۵).

با استفاده از کلمه «رویکرد توانایی‌ها و قابلیت‌ها»<sup>۴</sup> در این نظریه، آن دسته از جنبه‌های حیاتی و مهم زندگی که به یک شخص اجازه می‌دهد تا با عزت نفس به زندگی خود ادامه بدهد و

1. Grammatis
2. James Griffin
3. Griffin
4. the capabilities approach

همچنین قادر به مشارکت مؤثر در انتخاب سیاسی و حمایت از آزادی بیان و اجتماعات وی را می‌توان در همین راستا بیان کرد.

در عصر حاضر، این قابلیت با دسترسی به اینترنت درهم تنیده شده است و به این ترتیب، اگر دسترسی به اینترنت محدود شود، توانایی برای مشارکت مؤثر از نظر سیاسی محدود خواهد شد. برای اینکه دسترسی به اینترنت در چهارچوب حقوق بشر قرار گیرد، نیاز است تا با منفعت انسانی که پایه سایر حقوق بشری است، پیوند داده شود. مجموعه‌ای که آزادی بیان در آن جای می‌گیرد، باید شامل دسترسی به اینترنت باشد؛ زیرا هدف هر دوی آنها ترویج و ارتقاء همان مشارکت سیاسی آزاد است؛ بنابراین دسترسی به اینترنت نیاز دارد تا با منفعت انسانی که مبنای آزادی بیان است، در ارتباط باشد. توماس امرسون<sup>۱</sup> با تکیه بر ایده‌های محققان در خصوص آزادی بیان، از چهار دسته‌بندی ارزش‌هایی که مبنای حفاظت از آزادی بیان هستند، استفاده می‌کند:

حفاظت از سیستم آزادی بیان ضروری است؛<sup>۱</sup> به‌عنوان ابزاری برای تضمین توسعه نفس و شخصیت فردی؛<sup>۲</sup> به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به حقیقت؛<sup>۳</sup> به‌عنوان شیوه‌ای برای تضمین مشارکت اعضای جامعه در تصمیم‌گیری اجتماعی و سیاسی؛<sup>۴</sup> به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ توازن بین ثبات و تغییر در جامعه با فراهم آوری یک سازوکار برای افراد به‌منظور بیان ناامیدی و واکنش‌های خود برای تغییر در یک جامعه باز و آزاد این ارزش‌ها در صورت کاربردشان، مشخص می‌شود که به‌طور جدایی‌ناپذیری با دسترسی به اینترنت در ارتباط هستند.<sup>۲</sup> استفاده از دسترسی به اینترنت بر اساس مدل امرسون: ۱) دسترسی به اینترنت، شیوه‌های متفاوتی را برای توسعه نفس و شخصیت فرد ارائه می‌دهد؛ که افراد می‌توانند از طریق رسانه‌های اجتماعی یا وبلاگ نویسی، افکار و باورهای خود را توسعه بدهند؛<sup>۲</sup> دسترسی به اینترنت دستیابی به حقیقت را برای افراد آسان می‌کند، چراکه یک منبع نامتناهی را برای شخص فراهم می‌آورد که می‌تواند شخص را در جریان پیگیری حقیقت همراهی کند؛<sup>۳</sup> دسترسی به اینترنت یک شبکه جهانی در دسترس را ایجاد کرده است که جریان آزاد اطلاعات و ایده‌ها را در اختیار قرار می‌دهد، یک عرصه جهانی را برای مباحثه و مناظره ایجاد می‌کند؛ بنابراین یک فرد به‌عنوان عضوی از یک جامعه بزرگ‌تر و به طرق بیشتری قادر به مشارکت است؛<sup>۴</sup> دسترسی به اینترنت یک خروجی جهانی را برای افراد فراهم می‌آورد تا احساسات خود را در مورد هر موضوع و از طریق وبلاگ نویسی، مشارکت در صفحات مختص نظرات، رسانه‌های اجتماعی و غیره ارائه بدهند.<sup>۳</sup>

بنابراین آشکار است که دسترسی به اینترنت، همان ارزش‌هایی را ترویج می‌دهد که زیربنای حق آزادی بیان است و در نتیجه تصدیق آن به‌عنوان حقوق بشر، برای جامعه بسیار ارزشمند و

1. Thomas Emerson

2. See: Emerson, 1963: 956-877

3. See: Emerson, 1963: 956-877

گران بها است؛ زیرا تا حد زیادی نسبت به سایر شیوه‌های ارتباطات توفیق و برتری دارد. از نظر طبقه‌بندی ارتباطات که در کتاب همگرایی سلولی و مرگ حریم شخصی آمده است: سخن پراکنی، تبلیغات و غیره به عنوان «ارتباطات عمودی» (از طریق تلویزیون و رادیو) طبقه‌بندی می‌شود، درحالی که تعامل فرد با فرد به عنوان «ارتباطات افقی» (از طریق تلفن و ایمیل) طبقه‌بندی می‌شود. ارتباطات عمودی به دلیل یک طرفه بودنش، تا حد زیادی می‌تواند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده و آن را شکل بدهد. رسانه‌های جمعی می‌توانند اشخاص، باورها، انتخاب‌ها و نظرات را از طریق تبلیغات تحت تأثیر قرار بدهند؛ به همین ترتیب این رسانه‌های عمودی، مانعی را بین مردم و رویدادها ایجاد می‌کنند با ارائه چنین بستر ناپایداری برای ارتباطات افقی، دسترسی به اینترنت متعاقباً هرگونه مانعی را از میان می‌برد و جامعه را برای شکل‌گیری افکار عمومی آماده کرده و در مباحثات روشنفکرانه درگیر می‌کند؛ بنابراین افراد، تنها به باور هر چیزی که از طریق رسانه‌های عمودی به آنها انتقال یافته است، محدود نمی‌شوند. آنها قادرند تا به یک تجزیه و تحلیل اندیشمندانه مبادرت بورزند و در صورت لزوم، از آنچه از طریق مباحثه و پیگیری حقیقت گزارش می‌شود، آگاه و مطلع شوند (حبیب نژاد، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۱۰).

دسترسی به اینترنت افراد را ترغیب می‌کند تا نوعی از زندگی را تجربه کنند که آزادی شخصی و قوه ابتکار را در برمی‌گیرد. ما به عنوان انسان، برای تجربه زندگی با آزادی شخصی و خلاقیت، برای تحقق استقلال، به ابزارهای ارتباطی نیاز داریم؛ زیرا در این صورت ما قادریم تا خودمان را آشکارا ابراز کنیم و در راستای عدالت مشارکتی، تصمیم‌گیری کنیم. اینترنت به عنوان چنین ابزاری عمل می‌کند، آن‌هم با این اطمینان که ما قادر به تحقق منافع خود با انتقال چیزی هستیم که به صورت عمومی ارائه و بحث می‌شوند. در این راستا، دسترسی به اینترنت می‌تواند صدای افرادی باشد که در حاشیه قرار گرفته‌اند، کسانی که بدون دسترسی به اینترنت راهی برای بیان افکار و عقاید خود در مقیاس جهانی را نخواهند داشت. از این رو، این دسته از افراد بدون دسترسی به اینترنت، از نظر روشی برای ارزیابی صحیح و تصمیم‌گیری در مورد موضوعات مختلف از جمله تصمیم‌گیری سیاسی، از اعتبار لازم برخوردار نیستند؛ این ماهیت دنیای دیجیتال است؛ بنابراین، دسترسی به اینترنت می‌تواند با قابلیت‌های انسان، ارتباط مستقیمی داشته باشد قابلیت‌هایی که برای تضمین یک زندگی ارزشمند مد نظر قرار داده می‌شوند.

## بحث و نتیجه گیری

آزادی بیان حق بنیادین بشری است که برای تمامی افراد لازم و ضروری است تا یک زندگی با عزت نفس را تجربه کنند و پتانسیل‌های خود را بالفعل کنند؛ همان‌گونه که در مطالب فوق مشهود است، این آزادی همچنین برای دسترسی به اینترنت قابلیت اعمال دارد؛ بنابراین می‌توان استدلال کرد که دسترسی به اینترنت می‌تواند به‌عنوان یک حق بشری طبقه‌بندی شود؛ زیرا ارزش‌ها و قابلیت‌هایی که زیربنای حق آزادی بیان تعریف شده است، مشابه همان دسترسی به اینترنت هستند. مفهوم حقوق بشر در ارتباط با دسترسی به اینترنت، در حال حاضر حمایت‌های قانونی و قضایی را از سوی کشورهای متعددی به‌دست آورده است، کشورهایی که بر این باورند که دسترسی به اینترنت باید برای تمامی انسان‌ها فراهم شود. این کشورها، در پیش‌روی این مسیر، پیشگام و راهبر هستند و سایر کشورها نیز به‌منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان خود و در کل، رشد آن کشور، با سرعت هرچه تمام‌تر، از آنها پیروی می‌کنند. درحالی‌که هنوز یک تعریف ساختاریافته و مشترک از آنچه حق دسترسی به اینترنت شامل آن است، محقق نشده است، یک اعلامیه رسمی از سوی جامعه بین‌المللی به توضیح و شفاف‌سازی آن یاری می‌رساند. درحالی‌که «گزارش سازمان ملل»، گزارشی ناکافی و ناقص است، اما نقطه شروع خوبی به سمت یک ساختار قانونی و حقوقی رسمی است. با این حال، در حال حاضر، گزارش سازمان ملل به‌طور قطع تأثیر بسیار مهمی بر تحقق ترویج و ارتقاء دسترسی به اینترنت به‌عنوان یک حق بشری را دارد؛ زیرا دادگاه‌ها و قانون‌گذاران در نهایت متقاعد خواهند شد تا از این استدلال به‌ویژه به دلیل حمایت‌های گسترده پیروی کنند. تأیید قانونی حق دسترسی به اینترنت در سطح بین‌المللی، هرگونه اختلاف‌نظری که ممکن است در نتیجه ماهیت بدون مرز اینترنت به وجود آید را فرو می‌نشانند. بر اساس تعهدات مثبت و منفی که به‌واسطه گزارش سازمان ملل تقویت شده است، پذیرش گسترده‌تری از حق بشری دسترسی به اینترنت وجود دارد که نه تنها توانمندساز سایر حقوق است، بلکه باید به‌گونه‌ای صحیح به‌عنوان خود حقوق بشر طبقه‌بندی شود. اذعان به دسترسی به اینترنت به‌عنوان جزئی از حقوق بشر به‌طور گریزناپذیری به ایده مرسوم و پذیرفته‌شده‌ای در طول زمان مبدل شده است؛ زیرا اینترنت به‌ناچار در زندگی روزمره ما به‌شدت آمیخته شده است و فارغ از اینکه نتیجه این مباحثه در کوتاه‌مدت چه باشد، دسترسی به اینترنت قطعاً روزی در آینده، مانند غذا خوردن لازمه حیات انسان خواهد بود.

## تشکر و قدردانی

نگارنده از عزیزانی که در فرآیند انتشار این پژوهش نهایت همکاری را داشتند، کمال امتنان را دارد.

## منابع

- آل کجاف، حسین. (۱۳۹۲). مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر. حقوق پزشکی، ۷(۲۴)، ۱۷۰-۱۴۰.

<https://ijmedicallaw.ir/article-1-255-fa.html>

- آیتی، حمید. (۱۳۷۳). آزادی عقیده و بیان. فردوسی.

- انصاری، باقر. (۱۳۸۶). حقوق ارتباط جمعی. سمت.

- دربیگی، بابک. (۱۳۷۹). چالش‌های حقوقی، اخلاقی و اجتماعی فضای رایانه‌ای. خانه کتاب.

- رضایی، مهدی؛ بابازاده مقدم، حامد. (۱۳۹۳). اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا. مطالعات حقوق عمومی، ۱۵(۴۲)، ۸۲-۴۴.

[https://qjpl.atu.ac.ir/article\\_254.html](https://qjpl.atu.ac.ir/article_254.html)

- حبیب‌نژاد، احمد؛ عصاره، عبدالله. (۱۳۹۰). محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات در اینترنت. حقوق اسلامی، ۸(۲۸)، ۲۱۹-۱۹۱.

[http://hoquq.iict.ac.ir/article\\_18265.html](http://hoquq.iict.ac.ir/article_18265.html)

- Brownsword, R., Goodwin, M. (2012). *Law and the Technologies of the Twenty-first Century: Text and Materials*. Cambridge University Press.

- Griffin, J. (2008). *On Human Rights*. Oxford University Press.

- Greer, S. (2006). *The European Convention on Human Rights. Achievements, Problems and Prospects*, Cambridge University Press.

- Kaku, M. (2012). *Physics Of The Future: The Inventions that Will Transform Our Lives*, Penguin.

- Emerson, T. (1963). Toward a General Theory of the First Amendment. *Yale Law Journal*, 72, 877-956.

[https://heinonline.org/hol-cgi-bin/get\\_pdf.cgi?handle=hein.journals/ylr72&section=63](https://heinonline.org/hol-cgi-bin/get_pdf.cgi?handle=hein.journals/ylr72&section=63)

- Grammaticis, K. (2012). Vint Cerf: Internet Is a Human Right. *New Scientist*, 2(5).

- Koops, B. J. (2011). Forgetting footprints, shunning shadows: A critical analysis of the right to be forgotten in big data practice. *SCRIPTed*, 8, 229.

[https://heinonline.org/hol-cgi-bin/get\\_pdf.cgi?handle=hein.journals/scripted8&section=26](https://heinonline.org/hol-cgi-bin/get_pdf.cgi?handle=hein.journals/scripted8&section=26)

- La Rue, F. (2011). *Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression*. Human Rights Council, A/HRC/17/27.

- Maver-Schönberger, V. (2011). *Delete: The virtue of forgetting in the digital age*. Princeton University Press.

## پرونده‌های بین‌المللی

- ECtHR, *Jersild v. Denmark*, Judgment of 23 September 1994, Application No 15890/89, 31.

## سایت‌های اینترنتی

- Cerf, V. G. (2012). *Internet access is not a human right*. New York Times, 4, 25-26.

Available from (6/12/2019).

<https://venturebeat.com/2012/01/05/vint-cerf-internet-access-not-human-right>

- La Rue, F. (2011). *Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression*. Available from (3/12/2019)

<https://www.ohchr.org>

- Murray, A. (2010). *A Bill of Rights for the Internet*. *The IT Lawyer Blog*. Available from (3/12/2019)

<http://thelawyer.blogspot.com/2010/10/bill-of-rights-for-internet.html>